

در فقدان یدالله خسروشاهی، سه سال گذشت!



روز پنج شنبه چهارم فوریه 2012 مصادف با پانزدهم بهمن 1388 قلب رفیق یدالله خسروشاهی فعال برجسته ی جنبش کارگری برای همیشه از تپش باز ایستاد. نزدیک به سه سال از فقدان این فعال و سازماندهنده جنبش کارگری میگذرد. طی این سه سال جای خالی او، به ویژه در سازماندهی حرکات اعتراضی در خارج کشور در راستای حمایت از جنبش کارگری در ایران محسوس است.

یدالله عزیز! آه که چقدر دلم میخواد میشد دوباره در کنار هم می نشستیم و مثل گذشته درباره همه چیز صحبت میکردیم، افسوس،

افسوس، افسوس که زود و نابهنگام رفتی و امروز باید در سالگرد تو بنویسم، باور کن یک روز نیست که از نظرم دور بوده

وباشی. در سومین سال فقدان یدالله قصد ندارم خاطره نگاری کنم هر چند برایم شیرین تر آن بود اگر در این رابطه مینوشتم.

خاطرات شخصی از یدالله البته مملو از لحظات شیرین و حسرت آمیزی است که در جای خود باید به آن پرداخت اما در این

فرصت میخوامم به گوشه هایی از ارث ارزشمندی که یدالله برای فعالین کارگری بجا گذاشت بپردازم.

یدالله طی سالهای متمادی و طولانی تلاش نمود تا تجربیات گرانقدر خود در جنبش کارگری را به کارگران، فعالین کارگری،

همفکران و همراهانش انتقال دهد. تلاش برای انتقال تجارب چه بصورت شفاهی و چه کتبی و صوتی و تصویری، یکی از سنت

های ارزنده ای است که یدالله در تقویت آن میان فعالین کارگری سهم مهمی داشت. مهم ترین تجربه ای که یدالله به فعالین

کارگری منتقل کرده و با فعالیت های مستمر و مداوم آن را به دستاوردی غیرقابل برگشت تبدیل کرد ایده و طرح ایجاد تشکلات

مستقل کارگری توسط خود کارگران بود. به همین دلیل باید یدالله خسروشاهی را باید بعنوان یکی از اولین طراحان و بنیانگذاران

تشکلات مستقل کارگری در ایران نام برد. یدالله با صبر و شکیبایی و پشتکار برارنده فعالین کارگری صادق و مبارز و بی

اعتناء به تفسیرها و نقدهای غیرمنصفانه و مغرضانه برای جا انداختن این طرح میان فعالین کارگری ایران بویژه در سالهای آخر

عمر و با وجود بیماریهای متعدد تلاش و سهم رشک انگیزی داشت.

در مبارزات کارگری نیم قرن اخیر نام یدالله خسروشاهی به عنوان یکی از سازماندهندگان کارگران پالایشگاههای آبادان و تهران

برجسته است، همانگونه که در یک قرن اخیر نام علی امید در صدر مبارزات کارگری می درخشد. این برجستگی بخاطر یک

ویژه گی مهم این دو شخصیت یعنی رفتار و موضع مستقل و طبقاتی بوده است. البته در این سنت فعالین بیشماری در جنبش

کارگری وجود داشته است که انصافاً تلاشهای فراوانی نیز در مبارزات کارگری انجام داده و میدهند. فعالینی که در داخل ایران

از جان مایه گذاشته اند و با تحمل بی حقوقی و محرومیت های اجتماعی، زیر چکمه پاسداران سرمایه داری له میشوند و زندان و

شکنجه را به سخره گرفته و در مقابل حکومت فاسد و ضد کارگری جمهوری اسلامی و با وجود بیماری و مشکلات فراوان مانند سرو ایستاده اند. این باعث خوشنودی و امیدواری است که باورکنیم که تلاش های پیشینیان به بار نشسته است و علی امیدهها و یدالله های فراوانی بارور شده و در میان ما حضور دارند.

اینکه جنبش کارگری ایران چند سالیست به خود باوری رسیده، تشکل یابی و استقلال تشکلات کارگری مورد توجه و حساسیت کارگران و بخصوص فعالین جنبش کارگری قرار گرفته، پدیده مهم و حیاتی است که حاصل تلاش بی وقفه و شبانه روزی فعالین و سازماندهندگان درون جنبش کارگری بوده و هست! در این رابطه است که از سهم یدالله خسروشاهی بعنوان یکی از برجسته ترین فعالین کارگری در این عرصه نام برده میشود. وی بخش زیادی از زندگی خود را صرف سازماندهی و تشکل یابی کارگران نموده و نقش ارزنده ای در این راه ایفاء کرده است. یکی از مهمترین اهداف او ایجاد تشکلات کارگری توسط خود کارگران بود. او از هیچ کوششی در این راه دریغ نمی نمود. یدالله مانند هزاران فعال کارگری به این نتیجه رسیده بود که دیگران نمیخواهند و نمیتوانند منافع و حقوق کارگران را برسمیت بشناسند و ما باید با اتکاء به نیرو و قدرت خود آن را بدست بیاوریم.

تمامی کسانی که با فعالیتهای یدالله و همراهانش طی این سالها آشنایی داشته و دارند به این مهم اذهان میکنند که یدالله نقش بسیار تعیین کننده ای در ایجاد تشکلات مختلف داشت و در هر مجلس و مجمعی نقش تاثیر گذار خود را ایفاء مینمود! صداقت، تجربه کار کارگری، رفاقت و روحیه وحدت گرایانه او شور خاصی به گردهمایی ها و جمع ها می داد. من که سالهاست بابسپاری از فعالین کارگری آشنایی داشته و از نزدیک با آنان زندگی کرده ام، از فعالین سندیکای پروژه ای آبادان تا صنایع پتروشیمی و نفت و فولاد و چند سالی است که در خارج از ایران هستم، با یدالله و تعداد دیگری از فعالین کارگری همراه بوده و هستم برای باور رسیده ام که فعالین واقعی جنبش کارگری علیرغم اینکه از یک جنس و در کلیات دارای تجربیات گوناگون از گذشته و سرکوب و تحقیر و بهره کشی هستند، اما بعضی از این دوستان و رفقاء از ویژه گی های خاصی برخوردارند. آگاهی

طبقاتی، شهامت، جسارت، انعطاف پذیری در مقابل اشتباهات قابل اصلاح همراهان، انتقادپذیری و اعتراف به اشتباهات خود، استقلال فکری، قدرت سازماندهی و حفظ وحدت تشکیلاتی و... یدالله این ویژه گی ها را عموماً داشت. او همواره تلاش میکرد که فعالین کارگری را به وحدت مبارزاتی تشویق نماید. هیچگاه فراموش نخواهم کرد زمانی که سندیکای کارگران خباز سقز، سندیکای واحد یا سندیکای هفت تپه اعلام موجودیت نمودند با چه وسواسی مسائل آنها را پیگیری میکرد و با چه تلاش بی وقفه ای سعی بر آن داشت که درکنار و یار و یاور آنها باشد. یدالله همیشه براین مسئله مهم تاکید داشت که ما صرف نظر از نام تشکل یا کسانی که در این مجموعه هستند باید از تشکلات مستقل دفاع و حفاظت از استقلال کارگری را به آنها مرتباً یاد آوری کنیم. او در مقابل اخبار حاکی از تاثیرات فرقه گرایانه و انحرافات و ایجاد چند دستگی در این تشکلات بشدت غمگین شده و واکنش نشان میداد. یادم میاد روزی که بر اثر تلاشهای چند ساله یدالله و رفقای دیگر در حمایت از کارگران ایران برای یکی از رهبران سندیکایی ایران توسط اتحادیه های کارگری آی تی اف ویزا صادر شد و این نماینده سندیکا به انگلیس آمد یدالله با چه شوقی برای دیدار با او به محل کنفرانس رفت ولی این نماینده که اکنون معروف ش بود با محاسبات غیر کارگری رفتار نامناسبی از خود نشان داده و سفره خود را از فعالین واقعی کارگری در آن اجلاس جدا کرده بود. یدالله که واقعاً از این منش متأثر شده بود همان روز بمن زنگ زد و جریان را تعریف کرد. ناراحتی یدالله بیشتر از رفتار این نماینده با خود مملو از نگرانی از سرنوشت

تشکلات مستقل کارگری در آینده بود. من از پشت تلفن فضایی را که او در آن قرار داشت می فهمیدم و اشک در چشمانش را و قلب شکسته اش را حس میکردم. میگفت چگونه بعضی آدمها وقتی شرایط شان عوض میشود خود را گم میکنند. من دلداریش میدادم و به او گفتم که خودت همیشه میگفتی ما از شخص یا اسم خاصی دفاع نمیکنیم و حالا هم همانروز است. همه کسانی که خود را با ما همراه نشان میدهند ممکن است تا آخر در کنار ما یا بالعکس ما در کنار آنها نباشیم. هستند فرصت طلبانی که در ابتدا خود را گونه دگر نشان داده و تا فرصت مناسب برای رسیدن به نیات خود را پیداکنند به فعالین مستقل کارگری که در حمایت آنها صمیمی ترین و پیگیرترین بوده اند پشت می کنند. ما از اساس تشکلات مستقل کارگری و آزادی فعالین کارگری دفاع میکنیم و نه از هرکسی بنام فعال کارگری و یا هر تشکل بنام سندیکا یا شورا وانجمن و... کارگری.

شاید بجزرات بتوان گفت او از اولین کسانی بود که طرح تشکلات مستقل کارگری را مطرح و تا آخرین روز حیاتش آنرا تبلیغ و از آن دفاع نمود و در این راه او و فعالین کارگری مانند او مورد بی مهری بسیاری از فعالین سیاسی و اجتماعی و احزاب و سازمانهای کمونیستی نیز قرار گرفتند. همانگونه که سرمایه داری با تمام توان و با قصد نابودی تشکلات و فعالین مستقل کارگری از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند، متأسفانه بعضی دوستان نابالغ! طبق یک باور غلط تشکلات مستقل کارگری را کفر محض دانسته و در مقابل آن ایستادگی نموده و کماکان هنوز نیز بر این باور غلط و سنگ اندازی اصرار دارند. آنها معتقدند که تشکلات کارگری باید توسط آنها و تحت نظر و قیومیت آنها باشد. این دلیل اصلی مخالفت های آنان است. خوشبختانه با پایداری و استقبال فعالین کارگری در ایجاد تشکلات مستقل کارگری آنها مجبور به پذیرش این مهم شده اند که هر چیزی باید در جای خود قرار گرفته و تشکلات واقعاً مستقل کارگری نه تنها هیچ تقابلی با احزاب و سازمانها و جریانات کمونیستی و مدافع آزادی و حقوق زحمتکشان ندارند بلکه در صورت احترام به استقلال و حمایت از این تشکلات میتوان همسو و در کنار یکدیگر مبارزات طبقاتی و ضد سرمایه داری را بهتر به پیش برد. سرمایه داری در ایران همواره با این بهانه که فعالین کارگری وابسته به تشکلات سیاسی هستند آنها را سرکوب نموده است. از طرف دیگر وقتی احزاب و تشکلات سیاسی چه وابسته به دولت و سرمایه داری و چه چپ و کمونیست و ضد سرمایه داری با الویت قرار دادن منافع حزبی و تشکیلاتی در درون تشکلات کارگری حضور داشته باشند هر دو تأثیرشان مخرب است. اولی با قصد خنثی نمودن تشکلات کارگری و فرمایشی نمودن آن نفوذ میکند و دومی با آوردن اختلافات و رقابت های سیاسی نامربوط به کارگران بدورن جنبش کارگری تشکلات کارگری را دچار چند دستگی و حتی انحلال میکند. تجربه تلخ یک قرن اخیر این مسله را اثبات نموده است. تجربه تلخ شوروی و کشورهای بلوک شرق، تجربه تلخ چین و بردگی کارگران در چین امروز، تجربه تلخ حاکمیت یک تشکل (سندیکایی) با نام اتحادیه همبستگی که وابسته به سولیدارتی سنتر امریکا و کشورهای سرمایه داری بود در لهستان، فعالین کارگری را هوشیارتر نموده که باید از این تجربیات تلخ بخوبی استفاده کرد. در تقویت و حفاظت از سنت مستقل و طبقاتی کارگری است که نقش فعالین و سازماندهندگان کارگری مانند یدالله برجسته شده و نبود آنان خلاء ای جبران ناپذیر میگردد.

یاد یدالله خسروشاهی را گرامی میداریم! او همیشه در قلب ما زنده است یاد! اوست که مرتباً وظایف ما را بما یادآوری میکند!

این شعر بسیار زیبای شاملوشاعر انسانیت و آزادی را که بیانگر احساسات قلبی من نیز هست تقدیمش میکنم.

به جست و جوی تو

بر درگاه کوه می‌گیریم
در آستانه دریا و علف
به جستجوی تو
در معبر بادها می‌گیریم
در چار راه فصول
در چار چوب شکسته پنجره ئی
که آسمان ابر آلوده را
قابی کهنه می‌گیرد
به انتظار تصویر تو
این دفتر خالی
تا چند
تا چند
ورق خواهد زد؟
جریان باد را پذیرفتن
و عشق را
که خواهر مرگ است
و جاودانگی
رازش را
با تو در میان نهاد
پس به هیئت گنجی در آمدی
بایسته و آزانگیز
گنجی از آن دست
که تملک خاک را و دیاران را
از این سان
دلپذیر کرده است
*

نامت سپیده دمی است که بر پیشانی آفتاب می‌گذرد

-متبرک باد نام تو

و ما همچنان

دوره می کنیم

شب را و روز را



سویس 17.01.2013

علی مبارکی

نماینده سابق سندیکای پروژه ای آبادان و از فعالین اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران